

پرسش ۸۲: زکریا و لوط به چه معنی است؟

السؤال / ۸۲: ما أصل ومعنى كلمة زكريا وكذلك الحال لكلمة لوط ؟

المرسل: حيدر طاهر

اصل و معنای کلمه‌ی زکریا و همچنین کلمه‌ی لوط چیست؟

فرستنده: حيدر طاهر

الجواب: سئل السيد سابقاً، هل أنّ اسم نبي الله لوط اشتق من الفاحشة، أم أنّ الفاحشة اشتقت من اسم نبي الله لوط فأجاب السيد بما يلي:

پاسخ: پیش‌تر این سوال از سید (ع) پرسیده شد که آیا اسم پیامبر خدا لوط (ع) از کلمه‌ی زشت معروف برگرفته شده و یا کلمه‌ی زشت از اسم پیامبر خدا لوط (ع) مشتق شده است؟! و سید به صورتی که در زیر آمده است، پاسخ فرمودند:

ويمكن للسائل الاستفادة من نفس الجواب إذا كان طالباً للحق.

اگر پرسش کننده طالب حق و حقیقت باشد می‌تواند از این پاسخ بهره‌مند گردد.

ج: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

جواب:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

لم يشتق اسم نبي الله لوط (ع) من الفاحشة، ولم تشتق الفاحشة من اسم نبي الله لوط(ع)، وكلمة لاط في اللغة العربية لا تعني الفاحشة، وإنما هي مستعارة لها، فلاط أي: حرك الشيء وعركه عركاً شديداً ([298])، وهذا موجود حتى في القرآن، فكلمة إفاك تعني القلب؛ ولهذا في القرآن سميت مدينة لوط (ع) بالمؤتفكات؛ لأنها قلبت رأساً على عقب، وفي مكان آخر تجد القرآن يسمي البهتان بالإفاك؛ لأنه (أي البهتان) يمثل قلباً للحقيقة.

اسم پیامبر خدا حضرت لوط(ع) از کلمه ی زشت مشتق نشده و همچنين آن کلمه ی زشت نیز از نام پیامبر خدا لوط(ع) برگرفته نشده است. کلمه ی لاط در زبان عربی به معنی فاحشه نیست بلکه این معنی فقط استعاره ای از آن می باشد؛ لاط به معنی شیء را حرکت دادن و جنباندن شدید است ([299]) و این معنا حتی در قرآن نیز وجود دارد. کلمه ی إفاک به معنی دگرگون یا واژگون کردن می باشد؛ از همین رو در قرآن شهر لوط «المؤتفكات» نامیده شده است؛ زیرا (در اثر عذاب الهی) زیر و رو شد. در جای دیگری ملاحظه می کنیم که قرآن بیهتان را إفاک نامیده است؛ چرا که بیهتان تمثیلی از واژگون کردن واقعیت می باشد.

وزکریا تعني التقي.

و کلمه زکریا به معنی پرهیزگار است.



[۲۹۸] - جاء في صحاح الجوهري، في مادة (لوط): ([لوط] الكسائي: لاط الشيء بقلبي يلوط ولبيط. يقال: هو ألوط بقلبي وأليط، وإنى لأجد له في قلبي لوطاً وليطاً، يعني الحب اللازق بالقلب. وهذا أمر لا يلتاط بصفرى، أي لا يلصق بقلبي. ويقال: استلاطوه، أي الرقوه بأنفسهم. وفي الحديث: (استلطتم دم هذا الرجل) أي استوجبتم. ولطت الحوض بالطين لوطاً، أي ملطته به وطنيته. واللوط: الرداء. يقال: لبس لوطيه) الصحاح: ج 3 ص 1158. (المعلق).

[299] - این پاورقی در مورد ریشه و معانی کلمات و عبارات مشتق از لوط با توجه به فرهنگ‌های مختلف زبان عربی می‌باشد که به جهت مناسبت نداشتن با خواننده‌ی فارسی زبان، ترجمه نشده است. علاقه‌مندان می‌توانند به اصل کتاب عربی «الجواب المنیز عبر الاثیر» صفحه 61 پاورقی شماره‌ی 1 مراجعه نمایند. (مترجم)